

---

غرب ھلیم قریب

---

مجموعه شعر

---

مجتبی ویسی

---



www.ketab.ir

سرشناسه: ویسی، مجتبی، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور: غرب‌هایم قریب (مجموعه شعر) / مجتبی ویسی.

مشخصات نشر: کرمانشاه: دیپاچه، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۳۴ ص: ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-600-8324-46-1

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- 20th century

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶۴ غ ۴۷ / ۸۲۹۸ PIR

رده بندی دیویی: ۸۱۶۲ / ۱۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۳۹۳۹۹



انتشارات دیپاچه

غرب‌هایم قریب

مجموعه شعر

مجتبی ویسی

گرافیک: دیپاچه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

مرکز پخش: کرمانشاه. خ دبیر اعظم. انتشارات دیپاچه. ۷۲۲۷۴۱۷-۸۳.

## فهرست

دفتر اول: برگشتن به یاد (کرماشان)

- تاق‌های ما/۱۱

- قرده‌سو/۱۲

- بالا برویم/۱۵

- تاریکه بازار/۱۹

- اجاق/۲۲

- هفتگی من شهر/۲۵

- چنانچه/۲۸

- عددی که در او ماند/۳۴

- نام‌ها تاریخ می‌خوانند/۳۷

- پارک شیرین/۳۹

- باغ ابریشم/۴۱

- سراب نیلوفر/۴۴

- شما/۴۷

- یاران/۵۰

- فانتزی پایان/۵۲

- برایم بنواز/۵۵

دفتر دوم: بنواز غرب (باختری‌ها)/۵۷

- قصر شیرین/۵۸

- سرپل ذهاب/۶۰

- گیلان غرب/۶۲

- دیره/۶۴

- دالاهو/۶۶

- کرند/۶۸

- ئارویناوا/۷۰

- ماه‌دشت/۷۲

- هورامان/۷۴

- بیس‌ون/۷۶

- گاماسیاب/۷۸

- صحنه/۸۳

- سنقر/۸۴

- هرسین/۸۶

- کنگاور/۸۸

- بازگشت به قلب/۹۰

دفتر سوم: باختر بعید (نفت‌شهر)/۹۳

مقدمه

بازگشت به اصل، به یاد، بازگشت به غرب. پس از سال‌ها به باخت مراجعت کردن، اگرچه غرب در خون من بوده است، در تک‌تک سلول‌ها سرچشمه غرب آباء و اجداد و تبار من بوده است، ماهیت من بوده است. پس از سال‌ها فریادم به دامن کوه‌های باختر هنوز سرکشی می‌کنند، هنوز رودهایش روان هستند. در من و دشت‌هایش ترانه می‌خوانند. پس، شدم تاریخ، شدم جغرافی، شدم نواحی باختری گذشته، شدم تکه‌تکه متن، تک به تک سروده‌هایی برای جان. و در سیر تن و جان، در سیر ذهن، نواحی غربی را از نو دریافتم، از نو سر بر پیشین و پسین‌اش نهادم. این متن‌ها، این شعرها، من را به وطن کشاندند، به اندرون بافت، به تاروپود

سرزمین پدری. دریافتم، از تو، که چه غافل بوده‌ام از آن ساکت‌های صبور، از آن صخره‌ها و ستیغ‌ها، مخمل‌های سبز.

بازگشت‌ام به باختر، بازگشت به ذهن و خاطره و خیال و واقعیت و گذشته و حال بوده است. دیارم را به این شکل، به شکلی تازه دیده‌ام. از نو کشف کرده‌ام. خوشحالم از این اتفاق. خوشحالم به کودکی و نوجوانی و کرماشان و نفت‌شهر رگشته‌ام، به تک‌تک شهرها و مناطق غرب که هر یک لطف و جذابیت خاص خود را برایم داشته‌اند، برایم دارند. هر یک خاطره‌ای را در من زنده می‌کنند و هر یک با دیارشان خون در رگام تندتر می‌گردد. خوشحالم از همدمی و همنشینی مجدد با غرب. غرب، غرب قلب من است، قریب من است، تا همیشه به آن مدیونم. مدیونم غرب. مدیونم باختر بعیدم، باختر به‌شدتم. این کمترینها تقدیم است به تو غرب، به تو دیار. تو و مردم راست قامت دیارم.

مجتبی ویسی